



افراط گرایان می خواهند دین اسلام را به بیغما بزنند

ما در دنیایی پیچیده زندگی می کنیم که در نتیجه پیشرفتهای سریع در عرصه فناوری به یک دهکده جهانی کوچک تبدیل شده است. افراط گرایان و تروریستها هر روز در سراسر جهان به تیترا اخبار تبدیل می شوند اما وحشیگریهای داعش استانداردهای تازه ای را در بربریت و بی رحمی رقم زده است.

ما در دنیایی پیچیده زندگی می کنیم که در نتیجه پیشرفتهای سریع در عرصه فناوری به یک دهکده جهانی کوچک تبدیل شده است. افراط گرایان و تروریستها هر روز در سراسر جهان به تیترا اخبار تبدیل می شوند اما وحشیگریهای داعش استانداردهای تازه ای را در بربریت و بی رحمی رقم زده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، اگر غیر مسلمانان فکر می کنند که آنچه در رابطه با داعش رخ می دهد وحشتناک است، همین امر نیز برای مسلمانان صادق است، چرا که مسلمانان علاوه بر نگاه وحشت آمیزی که به این رویدادها دارند از این که دینشان توسط این عده از رادیکالها به غارت رفته و چهره آن خدشه دار شده، دل شکسته شده اند.

چندی پیش پاکستان دژ محکم فرهنگ صوفی بود و بسیاری از مسلمانان سنی مذهب در آرامگاه شخصیتهای مورد احترام خود جمع می شدند و از موسیقی و شعر لذت می بردند. پیروان مذاهب و فرقه های مختلف با هماهنگی کامل کنار هم زندگی می کردند. وقتی همه چیز تغییر کرد و در نهایت پاکستان به سرزمین عدم تساهل تبدیل شد. کشتن عادی شد و هیچ روزی بدون خونریزیهای فرقه ای شب نشد. این تحول یکشبه رخ نداد. جنبش وهابی که توسط عربستان سعودی پایه گذاری شده بود مروج این نوع از دین در دنیای اسلام بود.

این پروژه شستشوی مغزی پس از انقلاب جمهوری اسلامی ایران در سال 1979 شکل گرفت، سعودیها روی علمای وهابی و سازمانهای وهابی در پاکستان سرمایه گذاری کردند تا نسخه ای از اسلام ارائه دهند که در مقابل نفوذ رو به رشد مذهب تشیع ایستادگی کند.

حمله شوروی به افغانستان فرصت طلایی برای آنها بود تا بتوانند پروژه وهابی گرایی را در سایه حمایت غرب برای تولید پیکارجویان جهادی در هزاران مدرسه دینی اجرایی کنند. این مدارس بعدها به محل تولد طالبان تبدیل شدند، افرادی که این نوع از اسلام را بر همکیشان خود تحمیل کرده و حقوق بشر را به ویژه در رابطه با زنان و اقلیتها زیر پا گذاشتند.

وهابی گرایی تعالیم ابن وهاب است. وی با همکاری اسلاف خانواده سلطنتی سعودی، توجیهات دینی را برای حکمرانی آنها در عربستان سعودی ارائه داد. این لطف با ترویج همان نوع از اسلام که مدنظر وی بود، توسط سعودیها جبران شد.

پیروان مکتب فکری وهابی آنرا اسلام ناب در نظر می گیرند و نمی خواهند به اعماق معنویت اسلام بروند، اسلامی که ظرفیت همسازی با مسلمانان و تعابیر و مفاهیم بسیاری را دارد.

فلاسفه ای چون ابن عربی و عارفانی چون مولوی از سوی وهابی ها به عنوان مرتد در نظر گرفته می شوند. از نظر این افراد مسلمانانی که روز میلاد پیامبر(ص) را جشن می گیرند و از به زیارت ائمه و اولاد پیامبر می روند کافر هستند و هر آنچه که با هنر و موسیقی ارتباط داشته باشد در این زمره قرار می گیرد.

ابن سعود بنیانگذار خانواده سلطنتی کنونی سعودی تمام مقبره ها و آرامگاه های حجاز در عربستان را در سال 1925 تخریب کرد که در میان آن آرامگاه بسیاری از اصحاب و خانواده پیامبر اسلام (ص) قرار داشتند و قدمت آن به قرن هفتم می رسید.

این نوع رفتار نشان دهنده ایدئولوژی است که به بمبگذاری اخیر مجسمه های بودا در افغانستان و آرامگاه های عارفان در پاکستان و مالی منجر شد.

امروز داعش خود را به همین ایدئولوژی متعهد می داند و مقبره حضرت یونس و سایر بزرگان را در موصل و مناطق اطراف آن تخریب کرده است. وهابی ها عمدتاً در عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس متمرکز شده اند، آنها نماینده یک اقلیت کوچک از مسلمانان سنی مذهب هستند. اما با کمک پول نفت توانسته اند تأثیر این نسخه از اسلام را روی مسلمانان از اندونزی تا کشورهای غربی اعمال کنند. آنها از ابزارهای مختلفی از جمله استفاده از خشونت تا استفاده از زور برای تحمیل ایدئولوژی خود بر همکیشانانشان استفاده می کنند.

براساس نتایج گزارشی که در ژوئن سال 2013 منتشر شده، عربستان سعودی از طریق تشکیل بنیادهای خیریه، بیش از 10 میلیون دلار برای ترویج دستور العمل وهابی خود سرمایه گذاری کرده است. این سیل ناگهانی پول نفت چالش جدی برای مسلمانان میانه رو در مقابله با تروریسم ایجاد کرد.

داعش وابسته به همین ایدئولوژی وهابی است و تروریسم را به سطح جدیدی منتقل کرده، از تاکتیکهای وحشیانه چون سربریدن استفاده می کند و عامل کوچ اجباری اقلیتهای دینی و قومی عراق محسوب می شود.

در میان جرایم فجیع و شنیع آنها می توان به جرایمی چون تجاوز، اعدام سالخوردگان، سوء استفاده از کودکان و ساکت کردن صدای مسلمانان میانه رو اشاره کرد.

آنها محمود العسلی استاد حقوق دانشگاه موصل را که به غارت و سوزاندن اموال شهروندان مسیحی اعتراض کرده بود وحشیانه به قتل رساندند. این دینداری کاذب موجب شکل گیری این حقیقت شده که برای اولین بار طی 1600 سال گذشته مسیحیان

موصل و سایر نقاطی که کنترل آن در اختیار داعش است، مراسم عشای ربانی برگزار نشود. مسلمانان میانه رو از سراسر دنیا با یک مسئله بغرنج رو به رو شده اند آنها بین افراط گرایی که مخالفان را بی رحمانه می کشند و رهبران سیاسی فاقد صلاحیتی که سعی دارند مردم خود را به سمت مرگ اقتصادی پیش ببرند گرفتار شده اند. در نهایت هم آنها نقش ناظران ساکت و اکثریت ساکت را برعهده می گیرند. صحبت درباره افراط گرایی در کشورهایی که این افراط گرایان فعالیت دارند مستلزم عواقبی است و این عواقب در نتیجه بی قانونی چیزی جز مرگ نیست. داعش، طالبان، بوکوحرام و گروه های وابسته به آنها بیشتر از هرگروه دینی دیگری مسلمانان را به قتل رسانه اند تا توجه رسانه ای بدست آورند. دنیا باید این نوع افراط گرایی را به وسیله عدم حمایت مالی از سازمانهای افراط گرا و خیریه های عربستان سعودی ریشه کن کند درست به همان نحوی که کمکهای مالی به القاعده قطع شد. تنها راه ریشه کن کردن افراط گرایی فراهم کردن زمینه فعالیت برای مسلمانان میانه رویی است که راهی جز صحبت با صدای بلند علیه این افراط گرایان عصر حجر ندارند. محمد بابر نویسنده این مقاله پزشک متخصص امراض پیری در لوئیسویل آمریکا و رئیس ائتلاف محبت و آموزش پاکستانی آمریکایی و همچنین عضو هیئت مدیره مرکز روابط بین ادیان لوئیسویل است.